

موضوع مقابله و مخابره با ارواح مفارقه از بدن

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (101) - آثار حضرت بهاءالله - امر و خلق، جلد 1

۱۰۱ - موضوع مقابله و مخابره با ارواح مفارقه از بدن

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است. قوله العزیز: "و قسم دیگر از کشفیات روحیه اوهام صرف است ولی این اوهام چنان تجسم نماید که بسیاری ساده دلان گمان نمایند که تحقق دارد و دلیل واضح برین این است که از این تسخیر ارواح ابداً نتیجه و ثمری حاصل نشود بلکه مجرد حکایت و روایت است ... مکالمات و احضار ارواح و مخابرات اوهام است و محض خیال است و لکن چنان بنظر میاید که حقیقت دارد عقل و فکر انسان گاهی اکتشاف حقایق نماید و از آن فکر و اکتشاف آثار و نتایج حاصل گردد این فکر اساس دارد ولی بسیار امور بخاطر انسان آید که مثل امواج بحر اوهام است ثمری ندارد و نتیجه بر آن ترتب نیاید و همچنین در عالم خواب رؤیائی بیند که بعینه ظاهر شود وقتی خوابی بیند که ابداً ثمری ندارد مقصود این است که این حالتی که میگوئیم مخابرات ارواح با مخاطبات ارواح یک قسم از آن اوهام محض است."

و قوله العزیز: "عالم انسان از عالم ملکوت خبر ندارد بکلی جاهل است لکن ارواح ملکوتیه در عالم انسان تأثیر دارند ملاحظه کن که چقدر مسأله واضح است با وجود این اغلب علماء و دانایان عالم بکلی از این معنی بیخبر و لکن این مستخرین ارواح از عالم تفکر صحبت میدارند ولی نفسی ملکوتی که از عالم الهی باخبر دیده بصیرتش باز و از عالم طبیعت منسلخ و بقوه معنویه فائز آن از عالم الهی و از عالم ارواح باخبر و حقیقت روح مجرد است جسم نیست متحیز نیست محلی را اشغال نمیکند."



ORIGINAL

و قوله العزیز: "در خصوص تسلط ارواح شریره سؤال نموده بودید ارواح شریره از حیات ابدیه محروم چگونه تأثیر خواهند داشت اما ارواح مقدسه را چون حیات ابدیه محتمل لهذا فیوضاتشان در جمیع عوالم الهی موجود ... و ارواح را بعد از تجرد از اجساد تجسم بجسم عنصری نیست آنچه تخیل میشود این اکتشاف خود انسان است که استمداد و استفاضه از ارواح مقدسه نماید و چون در آن حالت از خود غائب گردد و در بحر توجه مستغرق شود کیفیتی روحانی که مقدس از جسم و جسمانی است بنظر او جلوه نماید گمان کند که این جسم است مثلش مانند رؤیا است انسان در عالم رؤیا صور مختلفه مشاهده کند و مکالمه نماید و استفاضه کند و در عالم رؤیا گمان کند که آنها هیاهل مجسمه هستند و جلوه جسمانیست و حال آنکه صرف روحانی است خلاصه حقیقت روح از جسم و جسمانیات مقدس و منزّه است ولی مانند عالم رؤیا فیوضاتش بصور و اشکال جسمانی است بهمچنین در حالت اکتشافیه ارواح را بصور و رسوم جسمانی مشاهده کند ... اما تجسم ارواح بواسطه مدیوم شخصی که مثل حالت غش از برایش دست میدهد در آنحالت مثل انسانی است که در خواب است آنچه احساس و ادراک میکند تصور مینماید که جسم و جسمانی است و حال آنکه بحقیقت آنچه میبیند روحانی است."

و قوله العزیز: "اما سفره و خوان اجنة که مصطلح اقوام مختلفه است این اوهام محض است."